ماندگار

روزنامهٔ صبح افغانستان

چاپ همزمان: کابل – هرات

پخش همزمان:
بلخ
پروان
پنجشیر
میدان وردگ
و کاپیسا

www.mandegardaily.com

سال ۱۰ ❁ شمارهٔ مسلسل ۲۳۰۸ ❁ چهارشنبه ۱۷ اسد/مرداد ۱۳۹۷ ❁ ۲۶ ذوالقعدة الحرام ۱۴۳۹ ❁ ۸ آگست ۲۰۱۸

فیثا غورث

آدمی را امتحان به کِردار باید کرد نه به گفتار،
چه بسیارند مردمی که زشت کِردار و نیکو گفتارند

صدور فرمان چهار ماده‌یی پس از دیدار با رهبران سیاسی

محمد اشرف‌غنی ریس حکومت وحدت ملی، پس از دیدار با بزرگان سیاسی، فرمان چهار ماده‌یی را صادر کرده است.

بر بنیاد این فرمان که دیروز سه‌شنبه (۱۶ اسد) از سوی هارون چخانسوری، سخن‌گوی ریاست جمهوری اعلام شد، هیچ‌کس حق ندارد در انتخابات مجلس نماینده‌گان و شورای ولسوالی‌ها مداخله کند.

هارون چخانسوری، سخن‌گوی ریاست جمهوری در نشست خبری گفت: «نشست رییس جمهور با بزرگان سیاسی به‌منظور تکت انتخاباتی نه، بلکه به‌خاطر مشوره‌خواهی صورت گرفته است.»

آقای چخانسوری اضافه کرد که جلسات ریاست جمهوری با رهبران سیاسی از چند روز به این‌سو آغاز شده و در روزهای آینده نیز ادامه خواهد داشت.

او هم‌چنان تصریح کرد: در این جلسات روی سه موضوع، برگزاری انتخابات، آتش‌بس دایمی و اصلاحات در امور دولت‌داری، گفت‌وگو و مشوره می‌شود.

در فرمان رییس حکومت وحدت ملی، به مقام‌ها و کارمندان دولتی، ملکی، نظامی، عدلی و قضایی و نماینده‌گان شورای ملی افغانستان دستور داده شده که از مداخله در انتخابات خودداری کنند.

در این فرمان هم‌چنان گفته شده که نیروهای امنیتی افغانستان مکلف به تأمین امنیت انتخابات استند.

پروژه‌های کاروان صلح

هم‌زمان با آغاز گفت‌وگوها میان رهبران سیاسی کشور و نزدیک‌شدن افغانستان به آنتخابات ریاست جمهوری، کاروان‌های صلح‌خواهی که از ولایت‌های مختلف به کابل می‌آیند، نیز افزایش یافته است.

«کاروان صلح مردمی ولایت هرات» که بیشتر آنان معلولان این ولایت استند، صبح دیروز (۱۶ اسد) با ویلچر و پای پیاده راهی کابل شدند.

اعضای این کاروان که به منظور صلح‌خواهی به جانب کابل در حرکت هستند، می‌گویند که آنان دیگر از جنگ خسته شده، تصمیم گرفته اند تا صدای صلح‌طلبی شان را به گوش جهانیان برسانند.

بربنیاد اطلاعات به‌دست آمده، شمار افراد این کاروان به ۲۰ تن می‌رسد تعداد بیشتر آنان معلولان ولایت هرات می‌باشند.

صادق احمدزی، مسوول این حرکت در گفت‌وگو به رسانه‌ها گفته که قرار است این افراد مسیر هرات- کابل را پیاده و با ویلچر طی کرده و نفرت و انزجار شان را از جنگ بیان کنند.

آنان از مخالفان مسلح دولت نیز خواسته اند تا جنگ را کنار گذاشته و با روند صلح یک‌جا شوند.

قابل یادهانی است که پیش از این نیز یک کاروان دیگر که خواست آنان نیز صلح می‌باشد، با پای پیاده از ولایت هلمند حرکت کرده و خود شان را به ولایت کابل رساندند.

کاروان صلح‌خواهان هلمند، بیش از یک ماه می‌شود که در برابر شماری از سفارت‌خانه کشورهای جهان که به نحوی در جنگ افغانستان دخیل و یا هم تاثیرگذار بوده‌اند، بست‌نشینی کرده و هنوز هم پروسهٔ صلح‌خواهی شان ادامه دارد.

این کاروان قرار است در پایان هفتهٔ جاری به‌منظور صلح‌خواهی از کابل به سوی بلخ حرکت کنند.

برخی از آگاهان سیاسی در کشور، افزایش چنین کاروان‌هایی را برنامه‌های پروژه‌یی می‌خوانند که از سوی شخصیت‌های دخیل در سیاست افغانستان و یا هم از طرف کشورهای بیرونی سازمان‌دهی می‌شوند. اگر این گمانه‌ها دقیق از آب درآید ماهیت این حرکت‌ها را که نمایان‌گر نهایت ناگزیری مردم افغانستان است، نیز به زمین خواهد زد و صلح، مثل همیشه همان رویای ناتمام خواهد بود که هست.

تعویق انتخابات؛ پیش شرط مذاکرات طالبان با امریکا

شروع مذاکرات میان امریکا و طالبان در قطر، به جای ایجاد خوش‌بینی، به نگرانی و تشویش مردم افزوده است. تشویش و نگرانی مردم و جریان‌های سیاسی کشور، ناشی از دادن امتیاز به طالبان و احتمال انجام معامله میان امریکا و این گروه می‌باشد.

کارشناسان و آگاهان امورسیاسی کشور روند گفت‌وگوهای صلح میان امریکا و طالبان و آن‌چه که در پشت پردهٔ این مذاکرات می‌گذرد را، پیچیده، مشکوک و خطرناک می‌دانند.

نگرانی و حساسیت مردم نسبت به روند گفت‌وگوهای صلح، هنگامی افزایش یافت که مذاکرات امریکا و طالبان درغیبت حکومت افغانستان انجام شد.

احمد سعیدی، کارشناس امورسیاسی در گفت‌وگو با ...

ادامه صفحه ۳

صفحه ۳

از گفتن « احزاب کیستند که به نماینده‌گی از مردم حرف می‌زنند؟»
تا مشورت خواهی از آنان

صفحه ۳

تلفات سنگین
طالبان مسلح در غزنی

صفحه ۶

زمین از دوست تبدیل به دشمن می شود
بدل شدن به ‹گلخانه داغ› زمین را تهدید می کند

با داعشیان تسلیم شده چه خواهد شد؟

صفحه ۲

ارگ و رهبران گروه ها

صفحه ۲

WESTERN UNION WU

عزیزی بانک
Azizi Bank

انتقال داخلی پول از طریق ویسترن یونین در سراسر کشور

مشتریان و شهروندان گرامی، حالا شما می‌توانید از طریق ویسترن یونین عزیزی بانک، به همه ولایت‌های کشور پول بفرستید و یا از تمامی ولایت‌ها پول دریافت کنید. برای اطلاعات بیشتر به نزدیک‌ترین نمایندگی عزیزی بانک مراجعه کنید یا به شمارهٔ ۱۵۱۵ تماس بگیرید.

www.azizibank.af 1515

سخن ماندگار

با داعشیان تسلیم شده چه خواهد شد؟

رسانه‌ها اعلام کردند که ده‌ها شکایت در مورد اعضای تسلیم شدهٔ داعش در افغانستان ثبت شده‌است. این شکایت‌ها شامل انواع اعمال این افراد است که در حق مردم جوجان انجام داده اند و این نخستین مورد از اتفاقاتی است که در افغانستان در این خصوص رخ می‌دهد. تاکنون پیشینه نداشته است که گروه مسلحی به دولت تسلیم شده باشد و بعد مردم در برابر آن واکنش نشان داده اقامهٔ دعوا کنند. اما حالا چنین چیزی اتفاق افتاده است.

طبیعی‌است که گروه‌هایی شبیه داعش و طالبان در مناطقی که مسلط اند دست به هر اقدامی که دل شان خواست متوصل می‌شوند و داعشیان تسلیم‌شده هم چنین چیزی را – آنگونه که مردم محل شکایت‌هایی کرده‌اند- انجام داده بودند. حالا مهم این است که بدانیم دولت به این شکایت‌های مردم رسیده‌گی می‌کند یا خیر. اگرچه داکتر عبدالله عبدالله رییس اجرایی کشور اطمینان داده است که با داعشیان تسلیم‌شده همانند اسیران جنگی برخورد می‌شود. اما اینکه این سخن داکتر عبدالله می‌تواند عین سخن غنی هم باشد جای سوال دارد. زیرا ممکن است که آقای غنی به ادعای این‌که اگر با داعشیان تسلیم شده برخورد این چنینی شود و آنان دادگاهی شوند، ممکن است سبب شود تا گروه‌های دیگر به دولت تسلیم نشوند؛ چون مورد پیگیرد قرار می‌گیرند. از جانب دیگر گفته می‌شود که این گروه از داعشیان به دولت تسلیم نشده‌اند بلکه دولت آنان را از محاصره طالبان نجات داده است و این می‌تواند برداشت‌ها و معانی مختلفی را از رابطه ارگ با گروه های این چنینی در پی داشته باشد. در چنین صورتی به کیفر رساندن این گروه به اساس شکایت‌های مردم، با موانع سیاسی مواجه خواهد شد.

از جانب دیگر بر اساس قانونی که زمستان سال ۱۳۸۵، از سوی ولسی جرگه به تصویب رسیده است؛ مرتکبین موارد جدی نقض حقوق بشر از جمله جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت طی سی سال گذشته، از معافیت برخوردار می‌شوند. بنابراین دولت میتواند با اشاره به چنین قانونی، مساله را تشبیه کند و از پیگیری آنان ابا ورزد؛ چنانکه در معامله با گلبدین حکمتیار، جنایت کار معروف، اصلا هیچ شکایتی به بررسی گرفته نشده است و نه چنین مجالی داده شده تا شکایتی درج شود.

حالا نکته این است که اگر دولت به دلیل هر تعاملی از رسیده‌گی به شکایتی‌های مردم در مورد این داعشیان خود داری کند و آن داعشیان را به عنوان تسلیم شده‌گان در عزت و انعام خویش قرار دهد، مسلماً فرصتی برای همه جنایت‌کارانی فراهم می‌شود که بعد از عمری جنایت بیایند و با تسلیم شدن خودشان را اینگونه بیمه سازند.

بنابراین حرف ما این است که رسیده‌گی به شکایت‌ها و یا نرسیدن به آن برای آقای غنی با قید اینکه این گروه به دولت تسلیم شده است و مسلماً شرایطی هم در میان بوده است، دشوار است؛ اما این هم مسلم است که باید با آنانی که از گروه‌های جنگی و تروریستی جدا شده به دولت می‌پیوندند، به گونه‌یی برخورد شود که هم صورت حقوقی و مزایایی مصونیتی تسلیم شدن هم به مخاطره مواجه نشود و هم حق و حقوق و شکایت مردمانی که از طرف این فراد صدمه دیده‌اند باید مورد توجه دولت باشد.

البته در هرصورت و صرف نظر از بعد سیاسی مساله که این گروه به دولت تسلیم شده‌است یا دولت آنان را بنابر رابطه‌یی از محاصرهٔ طالبان نجات داده باشد، سخن معقول این است که رسیده‌گی جدی به این گروه از جانیان برای اقای غنی تبعاتی دارد که همین سبب می‌شود آقای غنی از رسیده‌گی‌های جدی به شکایت‌های افراد خود داری کند. اما دیده شود که داکتر عبدالله می تواند این مورد را تا پایان دنبال کند و به شکایت‌های افراد رسیده‌گی شود؟

محمداکرام اندیشمند

ارگ و رهبران گروه ها

رییس‌جمهور غنی امروز(سه شنبه شانزدهم اسد ۱۳۹۷ برابر به ۷ آگست ۲۰۱۸) با مقامات حکومتی خود و رهبران احزاب سیاسی و جهادی به گونهٔ جداگانه به گزارش صفحه فیسبوک ارگ در مورد صلح، آتش بس، انتخابات و دیگر موضوعات مهم جاری افغانستان صحبت و مشورت نمود.

گفته می شود که نکتهٔ اصلی و محوری این دیدارها و بحث ها، برگزاری انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری آینده و تعویق انتخابات پارلمانی غزنی و انتخابات شوراهای ولسوالی بود.

رئیس جمهورغنی در این گفتگوها می خواهد با تایید و همسویی آن ها به دو چیز دست یابد: ۱ – تعویق انتخابات ولسی جرگه در ولایت غزنی و تعویق انتخابات شوراهای ولسوالی در کل کشور. ۲ – برگزاری انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری در زمان اعلان شده با همین روند و ساختار و سیستم موجود انتخاباتی. برخی احزاب و رهبران شان اخیراً خواستار لغو روند ثبت نام واجدین شرایط رای دهی، ایجاد نظام تناسبی در انتخابات پارلمانی و بایومتریک رای دهندگان شدند و در این مورد با زبان تهدید سخن گفتند. محمدسروردانش معاون دوم ریاست جمهوری که از سوی رئیس جمهور مامور مذاکره با آن ها بود بعد از پنج دور مذاکرهٔ بیحاصل اعلان کرد که این طرح بسیار ناوقت، غیر عملی وبرخلاف قانون انتخابات است.

اما پس از این موقف ارگ، منتقدین و معترضین متنفذ سیاسی و جهادی بار دیگر به مطالبات خود اصرار کردند و در نشست های خصوصی خویش عملی شدن یکی از این سه گزینه را مورد بحث قرار دادند: ۱ – بستن دفاتیر کمیسیون انتخابات در ولایات و جلوگیری از برگزاری انتخابات. ۲ – لغو حکومت وحدت ملی و تشکیل یک حکومت موقت و یا یک حکومت سرپرست برای سه تا شش ماه که وظیفه اش برگزاری انتخابات باشد و اعضای آن حق عضویت در کابینهٔ آینده و حق نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری را نداشته باشد. ۳ – تعهد رئیس جمهور(اشرف غنی) و رئیس اجراییه(داکترعبدالله) به عدم نامزدی شان در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده که در آنصورت انتخابات می تواند توسط حکومت آن ها برگزار شود. آیا منتقدین و مخالفان سیاسی حکومت غنی می توانند در مورد انتخابات به خواست های شان برسند؟ آیا آن ها در دسترسی به خواست های شان، وحدت عمل و یکپارچگی خود را حفظ خواهند کرد؟ موقف امریکایی ها به عنوان حامی اصلی دولت و تمویل کنندهٔ حیات و بقای دولت که از رئیسان حکومت تا رهبران منتقد و معترض در سایهٔ این حمایت و تمویل زندگی می کنند و گوش های شان همیشه برای شنیدن حرف و مطالبات امریکایی ها باز است، چه خواهد بود؟ در این شکی نیست که رئیس جمهور غنی در سایهٔ حمایت امریکایی ها تا اکنون بر حریفان و رقیبان بازیگر درونی دولت و قدرت خود چیرگی داشته و با موفقیت گام برداشته است. بدون تردید در گفتگو های دو جانبه و تنها تنها با این رهبران که به خوبی نبض دست آن ها را در فعل و انفعال سیاسی می داند و می خواند، از زبان تشویق و تهدید و با سیاست قمچین و قیماق(چماق و هویج) به نیابت از نیکلسون و بت جان و در غیاب آن ها، حرف زده باشد. اینکه سد مطالبات و یکپارچگی رهبران و گروه های منتقد و معترض به خصوص در مورد انتخابات در برابر سیاست قمچین و قیماق ارگ نفوذ نا پذیر باشد و نشکند، باید با احتیاط و تردید به آن دید. گذشته نیز، از نفوذ ناپذیری و نشکستن حکایت ندارد. اما نکتهٔ مهمی که می ماند، توان و مهارت این منتقدین و معترضین درونی است که امریکایی ها را برای همراهی با خود به یکی از آن سه گزینه قانع سازند. تا کنون نشانی از این قانع سازی به چشم نمی خورد و اشرف غنی هم چنان بر اسپ و زین امریکایی ها قمچین به دست و قیماق به جیب می تازد.

از گفتن «احزاب کیستند...؟»

تا مشورت خواهی از آنان

ارگ ریاست حکومت وحدت ملی افغانستان، دیروز (۱٦ اسد) با نشر خبرنامه‌یی از دیدار آقای غنی با رهبران احزاب و برخی از جریان‌های سیاسی فعال در کشور، خبر داد.

بر بنیاد خبرنامه، موضوع بحث این دیدارها گفتگو با سران احزاب سیاسی و شخصیت‌های جهادی کشور در پیوند به حل وضعیت کنونی افغانستان، آتش‌بس و انتخابات آینده بوده است.

برخی از احزاب و جریان‌های سیاسی فعال در کشور، از چندی به این‌سو خواستار تغییر در نظام انتخاباتی و به ویژه در پروسهٔ ثبت نام رای‌دهنده‌گان شده بودند.

با آن که رییس حکومت وحدت ملی کشور پیش از این به تاریخ (۲٤ سرطان) سال روان در ارگ با لحن تندی احزاب را خطاب قرار داده و گفته بود: «احزاب کیستند که به نماینده‌گی از مردم حرف می‌زنند، این‌ها را کی انتخاب کرده است. چند درصد آرا را به دست آورده‌اند، کی به این‌ها صلاحیت داده است، شما کی استید که انتخابات را تحریم می‌کنید!؟»

اما بربنیاد خبرنامهٔ نشرشده از سوی ارگ، آقای غنی در نشستی که عصر روز دوشنبه (۱۵ اسد) با رهبران اجزاب سیاسی داشت، با جنرال عبدالرشید دوستم معاون اول ریاست حکومت وحدت ملی، حامد کرزی رییس‌جمهور پیشین کشور، استاد عبدرب الرسول سیاف، حضرت صبغت‌الله مجددی، محمدیونس قانونی، عطامحمد نور، استاد محمد محقق، انجنیر محمد خان، انجنیر گلبدین حکمتیار، استاد محمدکریم خلیلی، محمدالماس زاهد، میر امان الله گذر، حاجی اقبال صافی، حاجی دین‌محمد، عبدالحکیم منیب، استاد محمد اکبری، سید حامد گیلانی، انورالحق احدی و عبدالهادی ارغندیوال، عطاالله لودین و شماری از اعضای شورای انسجام جمعیت اسلامی تحت ریاست سید اکرام‌الدین، به شکل جداگانه دیدار کرده است.

آقای غنی در صحبت‌های که به تاریخ بیست و چهارم سرطان امسال با رهبران سیاسی داشت گفته بود: «این افراد بر کدام اساس دعوی حل بحران می‌کنند، این‌ها در طول چهل سال چه کرده‌اند، چه طرحی برای مردم دارند و برای خروج از بحران‌ها چه دستاوردی داشته اند؟» همچنان او از سران احزاب خواسته بود که از بحران‌آفرینی دست برداشته و به قانون اساسی تمکین کنند و فراروی پروسه‌های ملی سنگ‌اندازی نکنند.

او در این نشست مشورتی که با رهبران احزاب سیاسی در ارگ داشت، مشوره در خصوص مسایل مهم کشوری را برای بیرون‌رفت از چالش‌ها و مشکلات موجود افغانستان یک اصل خوانده و تأکید ورزیده که سلسله نشست‌های مشورتی به‌منظور استفاده از نظریات و طرح‌های بزرگان سیاسی و ملی مملکت، ادامه خواهد یافت.

تعویق انتخابات؛ پیش شرط...

روزنامه ماندگار، نگرانی‌های مردم را به‌جا و آگاهی داشتن از تحولات مربوط به سرنوشت جامعه را حق مسلم و قانونی شهروندان عنوان کرد. او حکومت افغانستان را فاقد نقش در این مذاکرات دانسته و تصریح کرد: «تا کنون سه دور مذاکرات میان ایالات متحده و طالبان در قطر صورت گرفته است و طَالبان شرایط و خواست‌های مشخصی را با دیپلومات‌های امریکایی مطرح کرده اند.»

این کارشناس امورسیاسی از راز مذاکرات میان امریکا و طالبان پرده برداشته و سایر شرایط مطرح‌شده از سوی طالبان را نیز این‌گونه بیان کرد: «تعویق انتخابات، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، یکی از شرط‌های طالبان در گفت‌وگوهای صلح با امریکاست. خارج ساختن آن‌ها از لیست سیاه، واگذاری بیشتر از ۱۰ ولایت به این گروه از خواست‌های طالبان است که تاکنون در مذاکرات مطرح و روی آن بحث صورت گرفته است.»

آقای سعیدی اضافه کرد: «طالبان چند شرط را به عنوان شرایط تسهیل‌کنندهٔ مذاکرات صلح با امریکایی‌ها در دوحه در میان گذاشته اند که یکی از آن‌ها محدودکردن رسانه‌ها به ویژه رسانه‌های تصویری در افغانستان است.»

او تاکید کرد که آزادی رسانه‌ها، یکی از دست‌آوردهای مهم ۱۷ سال گذشتهٔ ما محسوب می‌شود و این خیلی نگرانی بزرگی را برای مردم خلق خواهد کرد که متاسفانه به نظرمی‌رسد، این شرط از سوی ایالات متحده نیز پذیرفته شده است.

آقای سعیدی دیدگاه مقامات امریکایی را در مورد خواست‌های طالبان مثبت ارزیابی کرده و گفت: به نظرمی‌رسد که دیدگاه جانب امریکایی نسبت به این خواست‌ها و شرایط تا حال مثبت بوده و تا جای که ما اطلاع داریم، خیلی از خواست‌های طالبان از سوی دیپلومات‌های امریکا هم رد نشده است.

آقای سعیدی با تا کید برضرورت حفظ دست‌آوردهای ۱۷ سال گذشته و این‌که جامعهٔ جهانی هدفش از حضور در افغانستان مبارزه با تروریزیم، محو کشت و جلوگیری از قاچاق مواد مخدر، حمایت از حقوق بشر و تقویه نهادهای جامعه مدنی، ایجاد نظام دموکراتیک، برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه، دولت-ملت‌سازی بوده، گفت: نباید چنین ارزش‌هایی از سوی امریکایی‌ها نادیده گرفته شود. اکنون مقامات امریکایی برای شکست بن‌بست جنگ افغانستان، روی محدودکردن فعالیت رسانه‌های تصویری و به تعویق‌انداختن انتخابات، با طالبان بحث و مذاکره می‌کنند. این یعنی نابودکردن دست‌آوردهای خود. جای تاسف است چیزهایی را که ساخته و پرداختهٔ خودشان بوده، به دست خود نابود می‌کنند. این خلاف تمام تعهدات سپرده‌شده از سوی جامعهٔ جهانی به مردم افغانستان است.

تلفات سنگین طالبان مسلح درغزنی

مسوولان امنیتی درغزنی از کشته و زخمی شدن ٤٥ طالب در این ولایت خبر داده‌اند.

فرید احمد مشعل، فرمانده پولیس غزنی، دیروز (۱٦ اسد) در گفت‌وگو با رسانه‌ها گفت که طی ۲٤ ساعت گذشته از اثر درگیری‌ها و حملات گسترده طالبان بالای پوسته‌های امنیتی در دشت بکاول و دره قیاق ولسوالی جغتو سی تن ازطالبان مسلح کشته شده و پانزده تن دیگر زخمی شدند.

آقای مشعل افزود که ساعت ۱:۲۰ شب گذشته طالبان بالای پوسته‌های امنیتی دشت بکاول و پوسته‌های امنیتی پولیس محلی درهٔ قیاق شهرستان جغتو حملات گسترده انجام دادند که با مقاومت نیروهای امنیتی روبرو شده و با رسیدن نیروهای کمکی به موقع در ساحهٔ درگیری، هراس‌افگنان ترک مواضع کرده و به عقب رانده شدند.

به گفتهٔ مسوولان امنیتی ولایت غزنی، همچنان در این درگیری‌ها چهار تن از نیروهای امنیتی کشور کشته شده و ۵ تن دیگر شان زخم برداشتند.

همچنان، گزارش‌های به دست رسیده از ولایت لوگر حاکی از آن است که نیروهای امنیتی در عملیات‌های جداگانه، دو فرمانده مشهور گروه طالبان را با افرادش در این ولایت بازداشت کرده و سپس کشته‌اند.

در همین حال شمشاد لونگ، سخن‌گوی والی لوگر دیروز سه شنبه (۱٦ اسد) به رسانه‌ها گفت که از روز گذشته به این سو عملیات پاک‌سازی طالبان از ولسوالی ازره آغاز شده است.

او افزود: شب گذشته اشتباهاً در حمله هوایی نیروهای امریکایی، سه سرباز پولیس محلی کشته و ده سرباز دیگر زخمی شدند.

به گفتهٔ او، شش سرباز دیگر نیز در این رویداد زخم سطحی برداشته اند.

آقای لونگ گفت که طالبان نیز تلفات سنگینی در این عملیات داشتند که آمار آن دقیق در دست نیست.

شماری از منابع محلی دیگر آمار تلفات پولیس محلی را در حمله هوایی امریکایی‌ها بیشتر از این گزارش داده اند.

پیامد ناگوارِ گرمایش جهانی و تغییر اقلیم

اگر به شرایط اقلیمی زمین نگاهی بیاندازید متوجه خواهید شد دشت‌ها در حال نابودی است و در مقابل بیابان‌ها در حال گسترش است. سطح آب دریاها کاهش‌یافته و بسیاری از آن‌ها نیز خشک‌شده‌اند. کره زمین در حال تغییرات جدی است و این تغییرات ناشی از پدیده‌ای است که تحت عنوان گرمایش جهانی از آن نام برده می‌شود. این روزها صدای پای این پدیده بیش از پیش شنیده می‌شود. در سال‌های اخیر میانگین دما در سطح زمین و اقیانوس‌ها افزایش یافته است. افزایش گازهای گلخانه‌ای در جو زمین به عنوان متهم اصلی تغییرات اقلیمی شناخته‌شده است. تغییرات ایجادشده در میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای از فعالیت انسان‌ها در دوران بعد از انقلاب صنعتی ناشی می‌شود. البته در مقابل عده‌ای از افراد که این عامل را علت اصلی تغییرات اقلیمی می‌دانند عده‌ای نیز بر این باورند که افزایش دمای زمین از تغییرات ایجادشده در روند تغییر دما در سطح دنیا ناشی می‌شود. بر این اساس گفته می‌شود تناوب وقوع دوره‌های گرم و سرد و پدیده‌های طبیعی مانند آتشفشان‌ها به گرم‌تر شدن زمین منجر شده است.

در این میان عده‌ای نیز بر این باورند افزایش دمای زمین موضوعی است که ساخته‌وپرداخته ذهن دانشمندان است و اساسا حقیقت ندارد؛ اما حقیقت این است که بر اساس مدل‌سازی‌ها و روش‌های علمی پیش‌بینی‌شده است با ادامه داشتن روند کنونی افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای، زمین و همچنین موجودات ساکن این کره خاکی آینده تیره و تاری پیش رو داشته باشند. بر اساس پیش‌بینی‌های انجام‌شده تا پایان قرن بیست و یکم زمین روزهای گرمی را تجربه خواهد کرد و به این ترتیب تردیدی نیست که آیندگان در مسیر زندگی با مشکلات و محدودیت‌های بسیار زیادی مواجه خواهند شد.

ذوب شدن یخ‌های قطبی به افزایش سطح آب‌های آزاد زمین منجر شده است. حتی اگر اکنون روند کنونی انتشار گازهای گلخانه‌ای متوقف شود و بتوانیم انتشار این گازها را در سطح زمین ثابت نگه‌داریم تا هزاران سال آینده از پیامد افزایش سطح آب‌های آزاد در امان نخواهیم بود. اگرچه راهکارهایی مانند کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای یا متوقف ساختن انتشار این گازها، سرعت رخ دادن اتفاقات و پیامدهای پیش‌بینی‌شده در نتیجه این روند تا حد زیادی کندتر خواهد شد. تا سال ۲۱۰۰ نواحی کوهستانی و قطبی با افزایش دمای ۸ درجه‌ای مواجه خواهند شد. بر اساس گزارش اعلام‌شده از سوی هیات جهانی تغییر اقلیم، میانگین دمای کره زمین تا سال ۲۱۰۰، ٤ تا ٦ درجه افزایش پیدا می‌کند. این تغییرات شبیه روندی است که زمین از دوره یخبندان تا امروز پشت سر گذاشته است. بدون تردید در چنین شرایطی تضمین امنیت غذایی برای جمعیت رو به افزایش ساکنان این کره خاکی به‌مراتب با محدودیت‌های بیشتری همراه خواهد بود.

این نقشه میزان آب شدن و تخریب یخ های قطب شمال و جنوب را از گذشته تاحال نشان می دهد و با این روند یخ های موجود در آینده را هم پیش بینی کرده اگرچه گفته می‌شود با عبور از نقطه قابل بازگشت فرصت را تا حد زیادی از دست داده‌ایم اما بدون تردید اتخاذ تصمیم مناسب می‌تواند مواجه‌شدن با عواقب ناشی از وقوع گرمایش جهانی را تا حد زیادی به تأخیر اندازد. باید بر اساس نتیجه بدست آمده از بررسی ابعاد مختلف گرمایش جهانی و تغییرات اقلیم، از راهکارهای مؤثری برای کاهش پیامدهای ناشی از گرمایش جهانی بهره گرفت تا کیفیت زندگی بشر بیش از این تحت تأثیر قرار نگیرد. خطر بیش‌ازپیش نزدیک شده است و اگر دیر اقدام کنیم زمان را از دست می‌دهیم.

فرانک فراهانی / روزنامه نگار علم

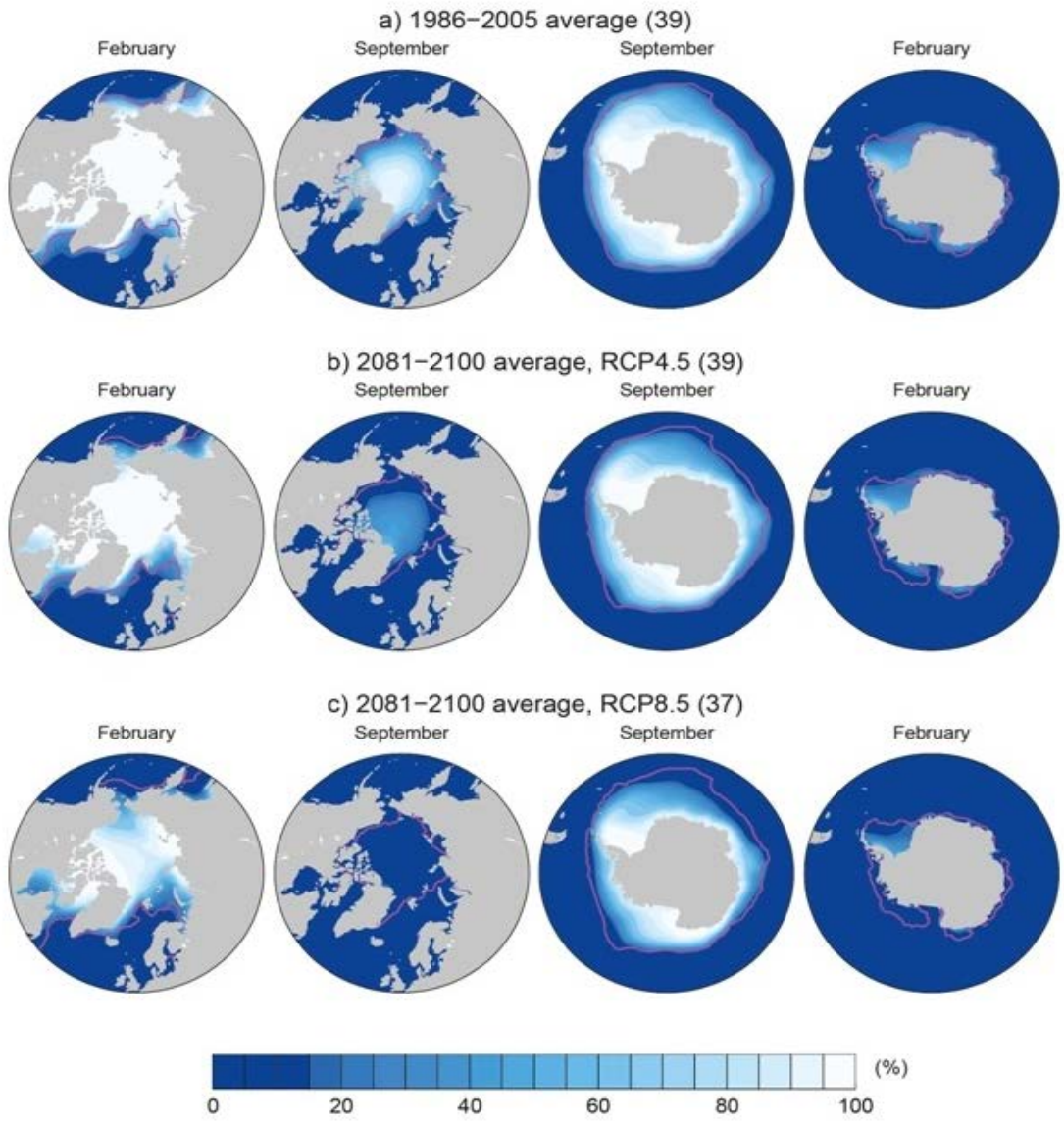

نقشه متوسط بارش سالانه در سناریوی گازهای گلخانه ای کم (چپ) و پیش بینی ایجاد گازهای گلخانه ای بالا در آینده(راست) مناطق آبی و سبز افزایش بارش و مناطق زرد و قهوه ای هم کاهش بارش را نشان می دهد.

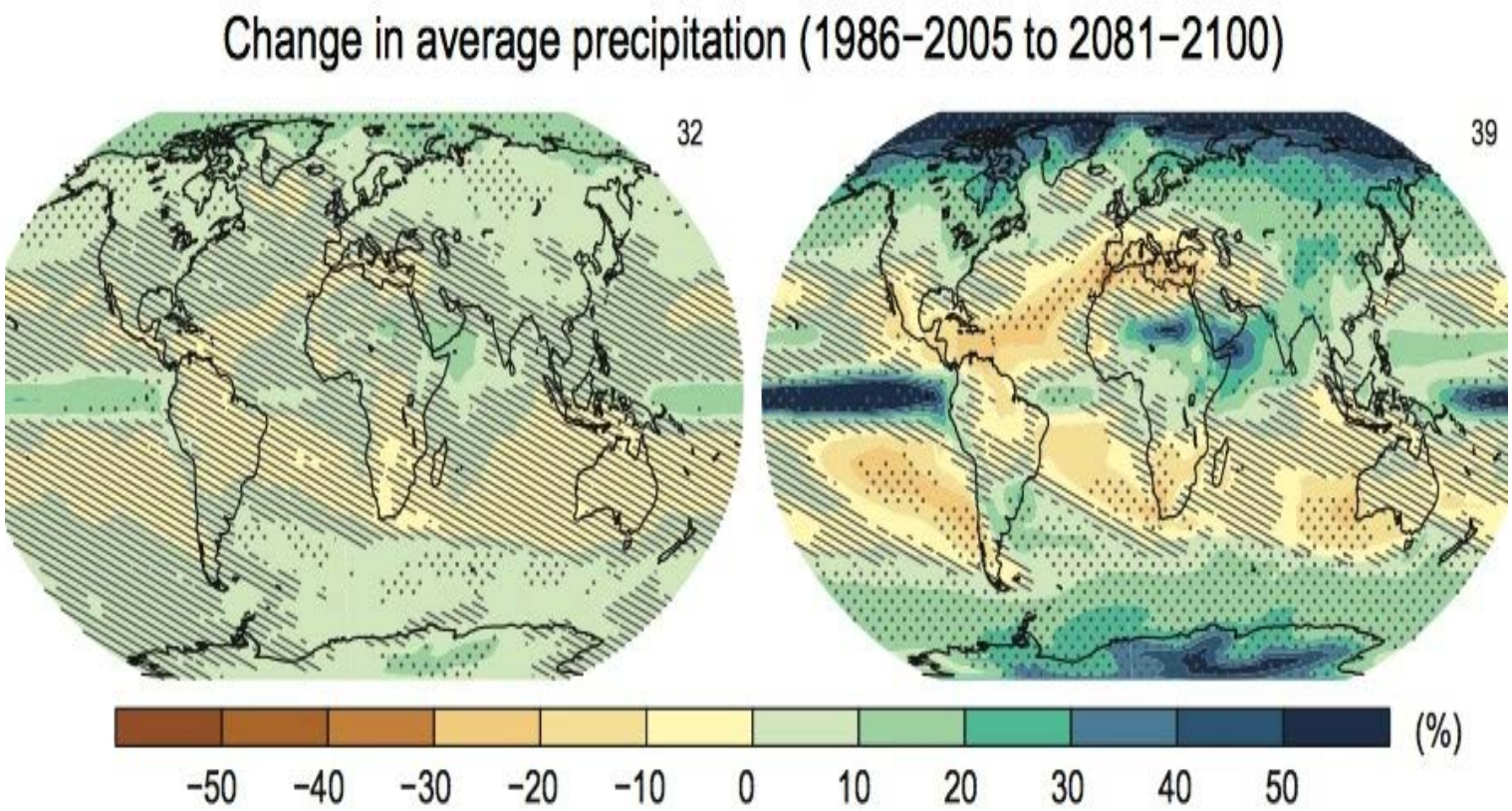

افزایش گازهای گلخانه‌ای در جو زمین به عنوان متهم اصلی تغییرات اقلیمی شناخته‌شده است. تغییرات ایجادشده در میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای از فعالیت انسان‌ها در دوران بعد از انقلاب صنعتی ناشی می‌شود. البته در مقابل عده‌ای از افراد که این عامل را علت اصلی تغییرات اقلیمی می‌دانند عده‌ای نیز بر این باورند که افزایش دمای زمین از تغییرات ایجادشده در روند تغییر دما در سطح دنیا ناشی می‌شود. بر این اساس گفته می‌شود تناوب وقوع دوره‌های گرم و سرد و پدیده‌های طبیعی مانند آتشفشان‌ها به گرم‌تر شدن زمین منجر شده است. در این میان عده‌ای نیز بر این باورند افزایش دمای زمین موضوعی است که ساخته‌وپرداخته ذهن دانشمندان است و اساسا حقیقت ندارد؛ اما حقیقت این است که بر اساس مدل‌سازی‌ها و روش‌های علمی پیش‌بینی‌شده است

نگرش فلسفی اسلامی به مساله معناداری زبان دین

بخش دوم

حمیدرضا آیت اللهی

(٤ در مثال فلو، نحوهٔ تلقی از خداوند براساس برداشت مسیحی (بیشتر مسیحی عامیانه) از او است. در این تلقی خداوند پدر آسمانی مسیحیان است و جز عشق و محبت به بندگانش چیزی برای آن‌ها نمی‌خواهد.

٥) این تمثیل فلو معناداری گزاره‌های دینی را با تلفیقی از مسالهٔ شر و نوعی پاسخ به آن مطرح می‌کند. لذا چه بسا تفکیک آن از این مساله و یا نوع دیگری از پاسخ به مسالهٔ شر مشکل معناداری صفات خداوند را از قالب بی‌معنایی یا کم‌معنایی به زمینه‌یی معنادار مبدل سازد.

٦) توقعی که فلو از آشکارسازی صفات خداوند دارد، دخالت گزافی اوست که مبتنی بر ارادهٔ جزافیه خداوند است. در این نگرش ارادهٔ خداوند به معنای عوامانه «اگر بخواهد انجام دهد و اگر نخواهد انجام ندهد» است. ارادهٔ خداوند که در رحمت عام او هم‌واره ساری و جاری است منظور او نبوده است. این خود به تلقی دیگر او از مسالهٔ ارادهٔ خداوند می‌انجامد که معمولاً نگرش اشعری و مسیحی برداشتی این چنینی دارند.

خلاصه استدلال فلو این است که جهانگرد اول با سخن خود حرف محصلی نمی‌زند و «فرضیهٔ جسورانه و قشنگ» او «ذره ذره به کام مرگ می‌رود و با هزاران قیدی که به تعریف او می‌خورد، فرو می‌میرد». بنا به استدلال فلو این «خطر خاصی است که گفتار الهیاتی را تهدید می‌کند و بلکه شر بوم زاد آن است» (Flew and McIntyre, ۱۹۵۵, p.۹۷). اگر شخص معتقد انکار کرد که شرایطی بالفعل یا ممکن می‌تواند تصدیقات او را ابطال کند، به‌طور ضمنی پذیرفته است که تصدیقاتش (چون تحلیلی نیستند) همه بی‌معنی و مهمل‌اند. پرسش نهایی فلو، که پس از بیان مقدماتی مسالهٔ رنج بیهوده طرح شده، این است: «چه چیزی باید اتفاق بیفتد یا باید اتفاق افتاده باشد تا بتواند دلیلی را برای شما فراهم آورد که با آن عشق الهی را رد کنید یا وجود خداوند را مردود بدانید؟» (p.۹۹).

هیر و راه‌حل غیرشناختاری بلیک

پاسخ آر. ام. هیر (R.M.Hare) به این پرسش متضمن نقل حکایتی دیگر است (Hare/qtd. in Hick, ۱۹۹۰, pp.۳۷۲-۳). دیوانه‌یی خود را متقاعد کرده است که تمامی استادان دانشگاه می‌خواهند او را بکشند و برای او اصلاً مهم نیست که چه تعداد استاد به او نشان داده شود که متشخص، محترم و نرم‌خو باشند، این دیوانه در اعتقاد خود مصر است. او فکر می‌کند نیرنگ خورده است، ولی در چه موردی فریب خورده است؟

بگذارید آزمون فلو را در مورد او به کار ببندیم. در این‌جا هیچ رفتاری از استادان دانشگاه سر نمی‌زند تا او بخواهد علیه نظریهٔ دیوانه اقامه کند و بنابر این براساس این آزمون نظریهٔ او چیزی را اظهار نمی‌کند، اما از این نتیجه نمی‌شود که هیچ اخلاقی میان آن‌چه او در بارهٔ استادان دانشگاه می‌اندیشد و آن‌چه بسیاری از ما، در مورد آنان فکر می‌کنیم، وجود ندارد. اگر چنین بود که نمی‌توانستیم او را دیوانه و خود را عاقل بخوانیم و استادان هیچ دلیلی برای احساس ناآرامی از حضور او در آکسفورد نمی‌داشتند.

بگذارید آن وضعیتی را که ما را از این دیوانه متفاوت می‌کند، بلیک (blick) مخصوص به خودمان نام بگذاریم. او بلیکی احمقانه در بارهٔ استادان دارد و ما بلیکی عاقلانه... فلو نشان داده است که یک بلیک در یک تصدیق یا نظامی از تصدیق‌ها جایی ندارد، اما با این همه بسیار اهمیت دارد که واجد بلیکی درست باشیم (Flew and McIntyre, ۱۹۵۵, p.۱۰۰).

برابر نظر هیر، فلو به غلط زبان خداباورانهٔ توحیدی را زبانی تبیین‌گرایانه می‌شمارد، حال آن‌که به تبع هیوم باید بگوییم «بدون یک بلیک هیچ تبیینی معنا پیدا نمی‌کند، زیرا ما بر پایهٔ بلیک‌ها می‌توانیم تعیین کنیم چه چیزی از قسم تبیین هست، و چه چیزی نیست» (p.۱۵۱).علاوه بر این، در حالی که جهانگردان فلو هیچ التفاتی به باغ خود ندارند، دیوانهٔ هیر نسبت به استادان دانشگاه دل نگران است. «به همین دلیل من بسیار توجه دارم و دل نگرانم که ببینم در باغی که هستم چه می‌گذرد، من نمی‌توانم حالت کناره‌جویانه و بی‌طرفانهٔ جهانگردان را بپذیرم» (p.۱۰۳).

ملاحظاتی چند در باب پاسخ هیر به فلو وجود دارد:

۱) هیر هم ملاک ابطال‌پذیری را می‌پذیرد و هم به‌طور ضمنی می‌پذیرد که گزاره‌های دینی ابطال‌پذیر نیستند.

۲) او با مثال خود می‌خواهد نشان دهد ابطال‌ناپذیربودن گزاره‌ها در مقام تبیین با شرایطی که کل زندگی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد فرق می‌کند. او با طرح ویژه‌گی اعتقادی بلیک در صدد است تا حوزهٔ اعتقادات دینی را به جای تبیین واقعیت بیرونی به حوزهٔ دغدغهٔ درونی انتقال دهد. دان استیور معتقد است «در نظر هیر شاید زبان دینی دیدگاهی را عرضه کند که بی‌تردید پذیرای ابطال نباشد، در عین حال به لحاظ وجودی اهمیت بسزایی داشته باشد. این واکنش هیر، نمایانگر چیزی است که می‌توانیم واکنش غیرشناختاری به چالش فلو نام نهیم» (Stiver, ۱۹۹٦, p.۸۰).

۳) این نگاه هیر نوعی منظر فیدئیستی است که باورهای دینی را امری سوبژکتیو می‌داند. در حالی که خداباوران، گذشته از باور درونی به واقعیت بیرونی خداوند نیز اعتقاد دارند. و این مقدار استدلال نمی‌تواند در توجیه کل باور مؤمنان موفق باشد. فلو در باب بلیک‌های هیر اعلام می‌کند که اگر دین هیر چیزی جز یک بلیک و «متضمن هیچ‌گونه تصدیق جهان‌شناختی در خصوص طبیعت و افعال آفریدگار متشخص نبوده باشد، در این صورت مطمئناً او یک مسیحی نیست» (Flew/qtd. in Hick, ۱۹۹۰, p.۳۷٤). آلن پی. اف سل معتقد است: گذشته از این، اگر گرفتارهای دینی از قسم تصدیقات تلقی نشود، بسیاری از افعال دینی فریبکارانه یا احمقانه خواهد بود (Sell, ۱۹۸۸, p.۱۵۳).

مثال «غریبه و پارتیزانِ» بازیل میچل و اطمینان مواجهه‌یی

بازیل میچل با وقوف نسبت به غیرشناختاری بودن راه حل هیر، در حکایتی دیگر معناداری گزاره‌های دینی را مورد بررسی قرار می‌دهد (Mitchell, ۱۹۷۱, p.۱۲).

داستان او در بارهٔ نحوهٔ مواجههٔ یک پارتیزان با یک غریبه در زمان جنگ است که این ملاقات پارتیزان را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد. او به این غریبه و صداقت و دلسوزی‌اش برای نهضت مقاومت کاملاً ایمان می‌آورد و این اعتماد کامل خود را به سایر دوستانش متذکر می‌گردد. این غریبه گاهی به اعضای نهضت مقاومت کمک می‌کند و گاهی دست کمک آنان را پس می‌زند. گاهی مشاهده می‌شود وی در لباس پلیس اشغالگران، میهن‌پرستان را به نیروهای اشغالگر تسلیم می‌کند. پارتیزان در برابر هر یک از این واکنش‌های غریبه مساله را به گونه‌یی جلوه می‌دهد که غریبه به منظور پیش بردن وظیفهٔ نهایی‌اش که همان دفاع از مردم در مقابل اشغالگران است این رفتارها را می‌کند. دوستانش گاهی به او با خشم می‌گویند «بسیار خوب، غریبه باید چه کاری را برای تو انجام دهد تا بپذیری که اشتباه می‌کنی و غریبه در جبههٔ ما قرار ندارد؟». پارتیزان حکایت اجازه نمی‌دهد که چیزی به‌طور قطعی ناقض این گزاره تلقی شود که «غریبه در جبههٔ ماست». این امر به آن دلیل است که وی متعهد شده است نسبت به غریبه اعتماد داشته باشد.

حالت پارتیزان به هنگام برخورد با رفتارهای معارض یا مشکوک فرد غریبه هم‌چون حالت‌های شخص متدیّنی است که در مواجهه با مصیبت هولناکی با آرامش می‌گوید: «خواست خدا چنین است و چه بسا مصالحی در کار است که از ما مخفی است» (علی زمانی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۵). در این مثال، عضویت فرد بیگانه یا خائن بودن او از ناحیهٔ جهان خارج، اثبات یا تکذیب نشده است، ولی در واقع و نفس‌الامر، سرانجام، این شخص یا رهبر نهضت مقاومت هست یا نیست. خود شخص بیگانه هم می‌داند چه‌کاره است و در آینده پس از اتمام شرایط جنگی معلوم خواهد شد که او چه موضع واقعی‌یی داشته است همین نکته‌یی که میچل بدان اشاره نموده است بعدها مبنای نظریهٔ تحقیق‌پذیریِ اخروی جان هیک قرار گرفت.

در تحلیل موضع میچل می‌توان گفت:

۱) میچل دیدگاه غیرشناختاری هیر را نمی‌پذیرد و در صدد است در مثال خود نحوه‌یی شناختاری در تبیین زبان دین ارائه کند.

۲) او برای مواجههٔ اولیه که همان اطمینان و ایمان ناشی از تجربهٔ دینی است نقش محوری قائل است. زبان دین در این تجربه معنا می‌یابد و نه در قالب زبان علم که تأیید تجربی آن با تکرار آزمایش محقّق می‌شود.

۳) میچل بین «ناتوانی ما در رسیدن به نفس‌الامر که شرایطی موجب آن می‌شود و با تغییر شرایط می‌توان به تعیین صدق و کذب رسید» و «تحقیق ناپذیری یا ابطال‌ناپذیری» فرق می‌گذارد. اولی معناداری را به زیر سؤال نمی‌برد در حالی که دومی گزاره را از معناداری خارج می‌سازد.

٤) دیدگاه میچل اگر بتواند مسالهٔ معناداری را حل کند ما را با مشکل دیگری مواجه می‌کند و آن نقدناپذیری دیدگاه‌های دینی است که مواجهه‌های متفاوت اعتقادات گوناگون و حتی متعارض پدید می‌آورد ولی مواجهه‌ی اولیهٔ آن را برای هر شخص امری مسلم می‌گرداند. در حالی که مؤمنان بر نقدپذیری دیدگاه‌هایشان و جرح و تعدیل معرفت شناختی آن معترف هستند.

٥) درباب تحویل دین به تجربهٔ دینی و اشکالات عمده‌یی که در این دیدگاه وجود دارد بحث‌های مفصلی شده است که به نظر می‌رسد بسیاری از نقدهای تجربهٔ دینی به این دیدگاه میچل نیز وارد باشد. برای آشنایی با این نقدها به منابع مربوطه رجوع شود (ر.ک. قائمی نیا، ۱۳۸۰).

٦) فلو به دیدگاه میچل دو اشکال وارد می‌کند. اول آن‌که تعبیر میچل از دین با تعبیر رایج و سنتی ایمان مسیحی فاصلهٔ زیادی دارد. ثانیاً این‌که اگر مدعیات دینی به عنوان حکم اراده نشده باشند، آن‌گاه بسیاری از کارکردهای دینی به نوعی فریبکاری یا حماقت مبدل می‌شوند (Flew/qtd. in Hick, ۱۹۹۰, p.۳۷٤).

تحقیق‌پذیریِ اخرویِ جان هیک

در سومین پاسخ، جان هیک از موضعی دفاع می‌کند که به تحقیق‌پذیری اخروی معروف شده است. موضع جان هیک شناختاری است. او ابتدا طی پنج مقدمه نحوه‌ی انتظار از تحقیق‌پذیری را مطرح می‌کند و سپس به طرح دیدگاه خود می‌پردازد (هیک، ۱۳۷۲، ص ۲۱۵-۲۱۱). در این مقدمات تأکید می‌کند قابلیت تحقیق اقوال و گزاره‌های واقعی همانند اثبات منطقی آن‌ها نیست. هستهٔ مرکزی مفهوم تحقیق‌پذیری از بین بردن هر نوع زمینه‌ای برای تشکیک عقلی است. هم‌چنین گاهی ضروری است که برای تحقق شرط تحقیق‌پذیری، خود را در وضع خاصی قرار دهیم یا عمل خاصی انجام دهیم. از طرفی یک حکم ممکن است در صورت صدق در اصل تحقیق‌پذیر باشد اما در صورت کذب علی‌الاصول قابل ابطال نباشد. او مثالی می‌زند و می‌گوید: به این قضیه توجه کنید که «سه عدد هفت متوالی در عددهای اعشاری مربوط به عدد «پی» وجود دارد». تا آن‌جا که از این عدد می‌دانیم و تا به حال بدان رسیده‌اند، شامل مجموعه‌یی از سه عدد هفت نیست، اما چون این عمل یافتن رقم‌های بعدی عدد پی می‌تواند الی غیر النّهایه ادامه یابد، همواره امکان دارد که یک دستهٔ سه تایی از هفت در جایی که هنور هیچ‌کس در محاسباتش به آن دست نیافته است بدست آید. از این رو، این حکم اگر درست باشد ممکن است روزی اثبات گردد، اما اگر نادرست باشد هرگز نمی‌تواند ابطال شود. او سپس فرضیهٔ استمرار حیات روح پس از مرگ قوای جسمانی را از این دست گزاره‌ها می‌داند. او نیز به

تبع متقدّمین خود موضع خویش را در قالب داستانی ارائه می‌کند (Hick, ۱۹۷۷, pp.۱۸۹-۲۰۳).

زمین از دوست تبدیل به دشمن می شود

بدل شدن به ‹گلخانه داغ› زمین را تهدید می کند

مت مک‌گرت
خبرنگار محیط زیست بی بی سی

هرچند ممکن است شبیه عنوان فیلم های درجه دو علمی-تخیلی به نظر برسد، اما برای دانشمندان علوم زمین تبدیل شدن سیاره ما به یک «گلخانه داغ» موضوعی کاملا جدی است.
محققان می گویند ممکن است به زودی از مرزی غیر قابل بازگشت بگذریم که نتیجه آن دمای طاقت فرسا و بالا آمدن سطح دریاها برای چند قرن خواهد بود.
حتی اگر کشورها موفق به مهار دی اکسید کربن در سطح توافق شده شوند، باز هم امکان شروع این «مسیر غیرقابل بازگشت» وجود دارد.
مطالعه آنها نشان می دهد که احتمال چنین سناریویی با بالا رفتن میانگین دما به اندازه دو درجه سانتیگراد وجود دارد.
دانشمندان شرکت کننده در این مطالعه می گویند گرمایشی که تاکنون تجربه کرده ایم، و افزایش دمایی که احتمالا در چند دهه آینده تجربه خواهیم کرد، ممکن است بعضی از نیروهای طبیعی زمین که هم اکنون از ما محافظت می کند را به دشمن ما بدل کند.
هر سال جنگل های زمین، اقیانوس ها و خشکی ها ٤.٥ میلیارد تن کربنی که می تواند سر از اتمسفر در آورد و هوا را گرمتر کند جذب می کنند.
اما با ادامه روند گرمایش امکان دارد این مراکز جذب کربن تبدیل به منبع انتشار کربن شود و مشکل تغییرات اقلیمی را به طور قابل توجهی بدتر کند.
خاک منجمد عروض بالای جغرافیایی که میلیون ها تن گازهای گرم کننده در آنها ذخیره شده یا جنگل های آمازون از جمله این منابع است و بیم آن می رود که هرچه به دمای دو درجه بالاتر از دوران ماقبل صنعتی نزدیک تر می شویم، این منابع شروع به دفع کربن با شدت زیاد کنند.
در سال ۲۰۱۵ دولت های جهان خود را به حفظ افزایش دما به کمتر از دو درجه سانتیگراد متعهد کردند و گفتند حتی برای نگه داشتن افزایش دما زیر ۱.۵ درجه تلاش می کنند. به گفته نویسندگان مقاله تازه، برنامه فعلی برای کاهش تولید گازهای کربنی ممکن است کافی نباشد.
پروفسور یوهان راکستروم از نویسندگان این مقاله در مرکز رزیلیانس استکهلم به بی بی سی گفت: «ما می گوییم که وقتی هوا دو درجه گرمتر شد، ممکن است در نقطه ای باشیم که مکانیسم کنترل به دست کره زمین بیافتد.»
زندگی در بسیاری از بخش های جهان با شروع پدیده گلخانه داغ غیرممکن خواهد شد
«درحال حاضر کنترل دست ماست، اما وقتی از دو درجه گذشتیم، می بینیم که سیستم زمین از دوست تبدیل به دشمن می شود. آن وقت سرنوشت را به سیستمی سپرده ایم که توازنش درحال به هم خوردن است.»
دما در حال حاضر یک درجه بالاتر از دوره ماقبل صنعتی است و هر دهه حدود ۰.۱۷ درجه بالا می رود.
محققان در مطالعه تازه ۱۰ سیستم طبیعی که آنها را «فرآیندهای بازخوردی» می نامند بررسی کردند.
هم اکنون این فرآیندها به انسان کمک می کند از شدیدترین آثار انتشار بیش از حد کربن و افزایش دما در امان باشد. اینها شامل جنگل ها، یخ های قطب شمال، و سیستم انباشت متان در کف اقیانوس هاست.
نگرانی این است که اگر تعادل یکی از این سیستم ها به هم بخورد و شروع به انتشار مقدار زیادی دی اکسید کربن در جو کند، بقیه سیستم های مشابه هم در یک حرکت زنجیره وار بی تعادل شوند.
سناریوی «گلخانه داغ» چیست؟
به زبان ساده سناریوی خوبی نیست.
براساس مقاله تحقیقی تازه تبدیل شدن زمین به یک «گلخانه داغ» به معنی آن است که دمای زمین از هر زمان در یک میلیون و ۲۰۰ هزار سال اخیر بیشتر خواهد شد.
سیستم آب و هوایی زمین ممکن است وقتی دما به ٤ تا ٥ درجه سانتیگراد بالاتر از دوره ماقبل صنعتی رسید دوباره تثبیت شود. به دلیل ذوب صفحات یخی قطب، آب دریاها ممکن است ۱۰ تا ٦۰ متر بالا بیاید.
این بدان معنی است که بعضی از بخش های زمین غیرقابل سکونت خواهد شد.
نویسندگان می گویند آثار این تغییرات «عظیم، گاه ناگهانی و بدون شک اخلالگر» خواهد بود.
روی مثبت آن - اگر بشود چنین تعبیری داشت - این است که بدترین عوارض احتمالا برای یک تا دو قرن احساس نخواهد شد. روی دیگرش این است که وقتی این فرآیند شروع شود غیرقابل بازگشت خواهد بود.
موج گرمای کنونی شواهدی از این پدیده است؟
نویسندگان می گویند که رویدادهای شدید آب و هوایی که اکنون در اطراف جهان از جمله اروپا می بینیم را نمی توان به طور مستقیم به خطر عبور از افزایش دما به میزان دو درجه ربط داد.
با این حال آنها استدلال می کنند که این پدیده ها ممکن است گواهی بر این موضوع باشد که زمین از آنچه فکر می کردیم در برابر روند گرمایش حساس تر است.
پروفسور راکستروم گفت: «باید از این رویدادهای شدید آب و هوایی درس گرفت و آن را شاهدی دانست بر اینکه باید حتی محتاط تر باشیم.»
حرف نویسندگان مقاله این است که انسان قدرت و حساسیت سیستم های طبیعی زمین را دست کم گرفته است.
قبلا تصور می شد که اگر دما تا پایان قرن سه تا چهار درجه بالا رود آنوقت است که جهان با یک وضعیت اضطراری روبرو خواهد شد.
آیا امیدی هست؟
پاسخ غافلگیر کننده این است که بله!
می توان از سناریوی «گلخانه داغ» پرهیز کرد به شرطی که شاهد تنظیم بنیادی روابط خود با سیاره باشیم.
کاترین ریچاردسون از دانشگاه کپنهاگ از نویسندگاه این مقاله می گوید: «آب و هوا و سایر تغییرات سراسری نشان می دهد که تاثیر فعالیت انسانی بر سیستم های زمین جهانی است. این بدان معنی است که ما به عنوان یک جامعه جهانی می توانیم روابط با سیاره را طوری مدیریت کنیم که بر شرایط آینده اثر بگذارد.»
«این مطالعه بعضی از اهرم های موجود برای انجام این کار را شناسایی می کند.»
به این ترتیب نه فقط باید تا نیمه قرن جاری سوزاندن سوخت های فسیلی را متوقف کنیم، بلکه باید به شدت مشغول کاشتن درختان، حفاظت از جنگل ها، یافتن راه های مسدود کردن نور خورشید و توسعه دستگاه هایی برای مکیدن کربن از هوا شویم.
نویسندگان می گویند که لازمه آن تغییر جهت کامل ارزش ها، رفتار و فناوری انسانی است.
همه ما باید نقش نگهبان زمین را بازی کنیم.
بعضی محققان می گویند که نظر نویسندگان مقاله تازه افراطی است. اما بسیاری دیگر بر این نظرند که نتیجه گیری آنها منطقی است.

هدف غنی راضی نگهداشتن...

نظارت و نقش داشتن احزاب و رهبران سیاسی در هردو انتخابات (پارلمانی و ریاست جمهوری) میداند.
آقای اعتمادی گفت: «رهبران سیاسی چون نمی‌خواهند از بازی‌های مهم سیاسی محروم و عقب بمانند؛ بنابراین با ارایه طرح و برنامه، به گونه‌یی در چه‌گونه‌گی برگزاری انتخابات دخالت می‌کنند؛ حکومت هم مجبور می‌شود که آنان را به هر شکلی که شده راضی نگهدارد.»
این عضو مجلس نماینده‌گان به این باور است که هدف از این دیدارها راضی نگهداشتن سران جهادی و رهبران سیاسی در آستانه انتخابات است و این یک امر معمول است.
این درحالی‌ست که غنی فرمان ٤ ماده‌یی را بدون فاصله و پس از دیدار با رهبران سیاسی صادر کرده است.
براساس این فرمان هیچ‌کس حق ندارد در انتخابات مجلس نماینده‌گان و شورای ولسوالی‌ها مداخله کند.
در فرمان رییس حکومت وحدت ملی، به مقام‌ها و کارمندان دولتی، ملکی، نظامی، عدلی و قضایی و نماینده‌گان شورای ملی دستور داده شده که از مداخله در انتخابات خودداری کنند. در این فرمان همچنان گفته شده که نیروهای امنیتی افغانستان مکلف به تأمین امنیت انتخابات استند.

کمک‌های چین به آسیب‌دیده‌گان رویدادهای طبیعی

وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث طبیعی از امضای تفاهم‌نامهٔ کمکی دولت چین به افغانستان و آسیب‌دیده‌گان رویدادهای طبیعی خبر داده است.
این وزارت دیروز (١٦ اسد) تفاهم‌نامهٔ ٣٠١٦ تُن برنج و ٨١٦ تُن آرد را با دولت چین امضا کرد. کمک‌های فوق قرار است در جریان سال جاری به آسیب‌دیده‌گان رویدادهای طبیعی توزیع گردد.
نجیب‌آقا فهیم، وزیر دولت در امور رسیدگی به حوادث در گفت‌وگو با رسانه‌ها گفت که خشک‌سالی ٢٠ ولایت را در شمال، شمال‌غرب، جنوب‌غرب و مناطق مرکزی تحت تأثیر قرار داده است، چراگاه‌ها به دلیل خشک‌سالی در این ولایت‌ها از بین رفته و محصولات زراعتی ٥٠ درصد کاهش یافته است.
به گفتهٔ آقای فهیم، عمق خشک‌سالی زیاد است و منابع کم؛ روی این ملحوظ، افغانستان فراخوان کمک را به کشورهای همسایه داده است. وزیر دولت در امور رسیده‌گی به حوادث می‌افزاید، در حال حاضر ٣.٣٠ میلیون مواشی کمبود علوفه دارند و ١٤٠٠ هزار انسان به کمک‌های فوری نیاز دارند.
لیوجنگ سونگ، سفیر چین برای افغانستان می‌گوید، این کمک‌ها به خواست دولت افغانستان انجام شده و کشورش حاضر است در بخش مبارزه با رویدادهای طبیعی نیز با افغانستان همکاری کند.سال‌های اخیر خشک‌سالی در کشور افزایش یافته و عمق آب‌های زیرزمینی هر روز کم‌تر می‌شود.

فیسبوک نامه

برزگر ماندانا

در جهان امروز توافق همه‌گانی برسر مفاهیم اجتماعی شاید مشکل‌تر از هر زمانی بوده باشد چون رسانه‌های اجتماعی مخصوصن در فضای مجازی کشور ما از هر آدمی یک صاحب‌نظر تمام عیار، منتقد و سخنور ساخته است. در این میان همه روزه اطلاعات فراوانی دست به دست می‌شوند و نظریاتی بی‌شماری در پیوند به هر موضوع داغ ابراز می‌شوند که آدم می‌ماند به کدام راه برود. در جامعه‌ی که از امنیت تا اقتصاد و از سیاست تا ساختارهای اجتماعی‌اش فروریخته است، حجم این گفتگوها و نظریه‌ها چنان روان عمومی راه پریشان می‌سازد که آنهایی که به رسانه‌های اجتماعی برای کسب اطلاعات و خبر و سرگرمی رجوع می‌کنند دچار سرگیجه می‌شوند. بیشتر نسل جوان و دانش‌آموز و دانشجو دچار این وضعیت اند چون شاید در مراحلی نیستند که بتوانند وضعیت را تحلیل کنند. به نظر من این وضعیت روند خلق تفکر را برای همه مشکل و در بعضی حالات ناممکن می‌کند.
یک نمونه از این وضعیت همین نوشته‌های بی‌مسوولیت و اکثرن از سر نفهمی کاربران رسانه‌های اجتماعی است. قلم می‌گیرند و برای ما کسانی را روشنفکر، متفکر، نخبه، عیار، فرهیخته، شایسته و توانا و ... معرفی می‌کنند با چراغ هم درون ذهن آنها داخل شوید برگی از این مفاهیم نمی‌توانید پیدا کنید. مورد داریم که آقا یک عمر در خدمت سنت و اخوانیت قلم و قدم زده است امروزه روشنفکر می‌شود، چهار سال دانشگاه را در هفت سال به پایان رسانیده نخبه و شایسته معرفی می‌شود، برای منافع بسیار کوچک فردی به نزدیک ترین‌هایش از بزرگترین نیرنگ‌ها دریغ نکرده، برای ما عیار معرفی می‌شود و مثال‌های دیگر که شما حتمن متوجه هستید.
من فکر می‌کنم همچنان که مافیای مواد مخدر و سلاح و قدرت و بازار در نهادینه کردن فرهنگ فریب همه‌گانی نقش دارند، نوشتن بی‌مسوولیت و از سر هواداری، فضای فرهنگی و اجتماعی ما را به یک فضای کاذب و درون‌خالی بدل می‌کند. لطفن به جان این مفاهیم کمی رحم کنیم و پیش از نوشتن یک بار هم شده فکر کنیم چقدر این کلمات که می‌نویسیم با واقعیت نزدیک اند...

خالد میرزایی

تعصب چیست و تبعات شناختی رفتاری آن چگونه نمایان میشود؟
تعصب به معنای احساس تعلق به گروهی خاص است که در عمل موجب میشود انسان در سطوح شناختی و رفتاری مختلف از گروه خودی جانبداری کند و متقابلا به گروه غیر خودی بی اعتنایی کرده و یا در مواردی به صورت منفی واکنش نشان دهد. تعصب میتواند به صورت طیفی از رفتارهای جانبدارانه از ترجیح خودی به غیر خودی گرفته تا نفرت از غیر خودی، نمایان شود. تقسیم بندی افراد به گروه خودی و غیرخودی میتواند بر اساس موارد مختلفی از ملیت و مذهب گرفته تا رنگ پوست و سن و جنس باشد. اشنایی و انس خمیر مایهٔ اصلی هستی و بقای انسان است و به همین دلیل، آشنایی در دستگاه شناختی عنصری خوشایند است که به واسطه آن ما به افرادی که در دایره این آشنایی قرار میگیرند احساس خوبی پیدا میکنیم. والدین، فامیل، همسایه ها، ملیت و بعدها سنت و مذهب همه و همه عنصر آشنایی هستند که در ما احساس خوشاید آشنایی و در نتیجه تعلق گروهی ایجاد میکنند. همین آشنایی و تعلق گروهی ریشه بنیادین تعصب را شکل میدهد که اغلب به رفتار جانبدارانه به سود گروه خودی و گاها به ضرر گروه غیر خودی منجر میگردد.
احساس تعلق گروهی بر روی الگوی توجه افراد هم تاثیر میگذارد. مثلا افراد معمولا با سرعت بیشتری جهت نگاه افراد متعلق به گروه خودی را دنبال میکنند. اگر از افراد خواسته شودحرکات اتوماتیک چشم خود را به طرف محرک خودی متوقف کرده و به سمت مخالف نگاه کنند، افراد معمولا خطای بیشتری میکنند و به کرات به طرف محرک گروه خودی نگاه میکنند. در حالیکه نگاه کردن به جهت مخالف گرو غیر خودی راحت تر است و افراد در این مورد کمتر خطا میکنند.
تاثیر ضمنی بر ادراک گاهی میتواند حتی مخرب تر از تعصب اشکار باشد. مثلا مساله رفتارهای جانبدارانه پولیس که دامن‌گیر اجتماع امریکا شده را در نظر بگیرید، این رفتارهای متعصبانه نژادی هر چند به صورت ضمنی و نه اشکار وجود دارند. پولیس سفید پوست پس از شلیک به افراد سیاه‌پوست غالبا اذعان به گمان اینکه فرد سیاه پوست مسلح و خطرناک است به او شلیک کرده. اما در بسیاری موارد ثابت شده که این در اصل خطای ادراکی بوده و فرد سیاه‌پوست با خود اسلحه‌یی نداشته.

روح‌الله بهرامیان

چاقی مفرط را از بیماری‌های فراگیر زنده‌گی مدرن گفته اند اما ازدحام ترافیک را نه که جا دارد دراین لیست علاوه شود. زیرا ازدحام در بزرگ‌شهرها به پیمانهٔ چاقی بیماری فراگیر بشر معاصر شده است و گیر ماندن در ازدحام عینِ مصاب و مبتلا شدن است که فقط راننده‌ها درد آن‌را بیشتر می‌چشند.

ترامپ:
هرکس با ایران معامله کند با آمریکا معامله نخواهد کرد

* دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، ساعاتی بعد از بازگشت دور اول تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران هشدار داد که از این به بعد کسانی که با ایران معامله کنند نمی‌توانند سهمی در بازار آمریکا داشته باشند.
آقای ترامپ در توییتر خود نوشت: «تحریم‌های ایران رسما اعمال شد. این تحریم‌ها شدیدترین تحریم‌هایی است که اعمال شده و تازه در ماه نوامبر باز هم تشدید خواهد شد. هر کس با ایران معامله کند، با آمریکا معامله نخواهد کرد. من به دنبال صلح جهانی هست، و کوتاه نمی‌آیم.»
روز دوشنبه (۱۵ اسد) رییس جمهور امریکا فرمان اجرایی از سرگیری بخشی از تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران را امضا کرد و این فرمان از بامداد امروز، سه‌شنبه ۷ اوت (۱۶ مرداد) به وقت شرق آمریکا اجرا شد.
این تحریم‌ها سه ماه بعد از اعلام خروج آمریکا از توافق هسته‌ای ایران (برجام) اعمال شد.
مبادلات دلاری و ریالی، معامله بین‌المللی طلا و سایر فلزات گرانبها، تحریم صنایع خودروسازی ایران و تحریم تامین قطعات و خرید فروش هواپیماهای مسافربری از جمله تحریم‌هایی است که در این مرحله بازگشته است.
محدودیت‌های آمریکا شامل تحریم‌های ثانوی هم می‌شود که بر اساس آن آمریکا شرکت‌های خارجی طرف معامله با ایران را مجازات می‌کند.
رییس جمهور امریکا هم‌زمان با اعمال تحریم‌های سخت‌گیرانه علیه ایران بارها گفته که حاضر است با رهبران جمهوری اسلامی برای رسیدن توافقی تازه مذاکره کند.
حسن روحانی، رییس جمهوری ایران روز دوشنبه ۱۵ مرداد در مصاحبه‌ای با تلویزیون ایران گفت رئیس جمهور آمریکا، با مطرح کردن آمادگی برای مذاکره، قصد راه انداختن جنگ روانی دارد.
آقای روحانی پیشنهاد مذاکره هم‌زمان با اعمال تحریم را بی‌معنی دانست.
مرحله بعدی تحریم‌ها علیه ایران روز ٤ نوامبر (۱۳عقرب) اجرا می‌شود و فعالیت‌های صنایع نفت و گاز، کشتیرانی و خدمات بیمه را هدف قرار می‌دهد. دولت آمریکا گفته در پی آن است که صادرات نفت ایران را به صفر برساند. به جز آمریکا، بقیه امضاکنندگان برجام همچنان می‌گویند به تعهدات خود در این توافق پایبند هستند.
اتحادیه اروپا روز دوشنبه در بیانیه‌ای از بازگشت تحریم‌های آمریکا علیه ایران ابراز تاسف شدید کرد و گفت که این اتحادیه و دیگر امضاکنندگان توافق هسته‌ای با ایران تلاش می‌کنند که کانال‌های سرمایه‌گذاری در ایران را باز نگه دارند.
این اتحادیه گفت که «قوانین بازدارنده» خود را که به‌روز کرده، برای حمایت از شرکت‌های اروپایی فعال در ایران اجرا می‌کند تا از این شرکت‌ها در برابر آن بخش از تحریم‌های آمریکا که شرکت‌های خارجی را تهدید می‌کند، محافظت کند.

ورزش

رئال مادرید با پسر مهاجم پیشین بارسلونا قرارداد بست

باشگاه پایتخت اسپانیا پسر نوجوان یکی از بازیکنان سابق رقیب دیرینه‌اش را به خدمت گرفت.
به گزارش از نشریهٔ مارکا، آندری لوکاس، یکی از سه پسر ایدور گودیانسن و مهاجم ایسلندی سابق بارسلونا با باشگاه رئال مادرید قرارداد بسته است.
آندری لوکاس ١٦ ساله، فرزند بزرگ مهاجم سابق چلسی و بارسا به عضویت باشگاه رئال مادرید درآمده و قرار است در تیم جوانان این باشگاه بازی کند.
او مانند پدرش با بازی در فوتبال اسپانیا آشنا است چرا که پیش از این در تیم جوانان اسپانیول بازی می‌کرد. او جزو بازیکنان تیم جوانان ایسلند هم هست.
پسر بزرگ گودیانسن، اسوین آرون ۲۰ ساله به عنوان مهاجم برای تیم اسپتزیا در سری B ایتالیا بازی می‌کند. دانیل تریستان کوچکترین پسر گودیانسن هم در رده نونهالان باشگاه بارسلونا حضور دارد و جزو با استعدادترین بازیکنان در رده سنی خودش محسوب می‌شود.

رقابت آرسنال و منچستر برای خرید عثمان دمبله

قرمزپوشان لندن و منچستر قصد دارند عثمان دمبله، مهاجم فرانسوی بارسلونا را به خدمت بگیرند.
منچستر یونایتد با پیشنهادی دیرهنگام برای خرید دمبله از بارسلونا وارد رقابت با آرسنال شده است.
طبق اعلام نشریهٔ موندودپورتیووی کاتالونیا، دمبله تابستان سال گذشته با قراردادی ۱۵۰ میلیون یورو از ۲۲۰ میلیون یورویی که بارسلونا از خرید نیمار به دست آورد، با «آبی و اناری‌ها» قرارداد بست؛ اما به هیچ عنوان نتوانست انتظارات آنان را برآورده کند.
او نیمی از فصل را به دلیل مصدومیت از دست داد و در فصل باقی مانده هم نتوانست اعتماد ارنستو والورده را برای قراردادنش در ترکیب اصلی جلب کند.
با این حال دو باشگاه لیگ برتر انگلیس و آرسنال خواهان جذب این بازیکن فرانسوی شده‌اند به‌خصوص آرسنالی‌ها که سرمربی اسپانیایی شان اونای امری اعتقاد خاصی به بازیکن سابق دورتموند دارد.
گفته می‌شود که آرسنال قصد دارد در ازای ۱۰ میلیون یورو دمبله را برای یک فصل از بارسلونا قرض بگیرد.

صاحب امتیاز: احمد ولی مسعود
مدیر مسؤول: نظری پریانی – ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
nazari.paryani@yahoo.com
برگ آرایی: مجیب‌الله احمدی– ۰۷۹۵۰۶۷۴۶۳

نشانی برقی: mandegar.daily@gmail.com وب سایت: www.mandegardaily.com
شماره تماس: ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰
مسؤول توزیع: نادری – ۰۷۴۴۶۰۰۶۳۰
نشانی: سرک ۱۳ وزیراکبرخان، کوچه چهارم دست چپ
به جز «سخن ماندگار» مسؤولیت دیگر نبشته‌ها به نویسنده‌گان برمی‌گردد.
چاپ: مطبعه امام – ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

Year 10 NO 2308 Wednesday 8 August 2018

DAILY
Mandegar

حکومت کلک ششم در گفت‌وگوهای صلح!

احمدعمران

موضوع صلح این روزها به کلاف سردرگمی شباهت پیدا کرده و وضع و حال کشور بیشتر شبیه آخرین سال های حکومت داکتر نجیب الله شده است. حتما به یاد دارید که در آن زمان دکتر نجیب الله از هر ابزاری برای جور آمدن با مجاهدین استفاده می کرد تا موفق شود لااقل جلو جنگ مدهشی را که در افغانستان به راه افتاده بود، بگیرد. سال های پایانی زمام داری داکتر نجیب الله از نا امن ترین و هرج و مرج ترین سال های افغانستان بود. تفنگداران مسلح که به نام ملیشه یاد می شدند در تمام شهرها حضور داشتند و زنده گی مردم را تلخ ساخته بودند. قانون آن گونه که باید حاکم می بود و از شهروندان در برابر ظلم و جفا های که بر آن ها روا داشته می شد، دفاع کند، وجود نداشت. کابل هر روز شاهد حملات خونین راکت پراکنی بود. داکتر نجیب الله سیاست مصالحه ملی اعلام کرده بود و از مخالفان مسلح خود می خواست که به این سیاست لبیک بگویند. اما مخالفان تا پایان عمر او و حکومت اش به این سیاست پاسخ مثبت ندادند. شوروی سابق که حمایت کننده اصلی رژیم داکتر نجیب الله بود به صورت جداگانه در تلاش آوردن صلح در افغانستان و بیرون کشیدن نظامیان خود از این کشور، به هر اقدامی پناه می برد. در آن زمان هم صلح آن گونه که داکتر نجیب الله اداعا داشت، در مالکیت دولت افغانستان قرار نداشت. مخالفان او را به رسمیت نمی شناختند و می گفتند اگر قرار باشد، گفتگو و مذاکره یی صورت گیرد این گفتگو و مذاکره با روس ها صورت خواهد گرفت که طرف اصلی جنگ اند. حالا نیز حکومت وحدت ملی کاملا در همان شرایط مرگبار قرار گرفته است. اما یک تفاوت اساسی میان داکتر نجیب الله کمونیست و اشرف غنی لبیرال وجود دارد که حداقل داکتر نجیب الله سخنرانی قهار بود و به خوبی با مفاهیم اسلامی آشنایی داشت و قرآن را درست تلاوت می کرد، اما آقای غنی نه آن زبان فصیح داکتر نجیب الله را دارد و نه هم آن فهم نسبتا خوب او را از مسایل اسلامی. من شنیده بودم که هیتلر سخنران بسیار موفقی بوده است. می گویند اگر کسی در سخنرانی او شرکت می کرد، وقت بیرون شدن عضو حزب نازی می شد. نجیب الله نیز چنین سخنرانی بود. او می توانست با سخنانش مردم را بگریاند و از نظر فکری آن ها را تحت تاثیر خود در آورد. اما آقای غنی این توانایی را نه تنها که ندارد بل در سخنرانی های خود مخاطبان را گاه توهین و تحقیر می کند. اما این دو زمام دار کشور در یک چیز با هم کاملا شریک اند و آن این که هر دو باید از حرف های بزرگترهای خود پیروی کنند. یکی از شوروی باید حرف شنوی می داشت و دیگری باید از امریکا حرف شنوی داشته باشد. آقای غنی هم مثل داکتر نجیب الله مالک گفتگوهای صلح نیست هر چند که خودش بارها چیغ زده است که گفتگوهای صلح با مالکیت حکومت افغانستان صورت می گیرد. در آن سال ها شوروی وقت این گفتگوها را به نیابت از حکومت افغانستان انجام می داد و حالا امریکا چنین نقشی را بازی می کند. به تازه گی راین کراکر سفیر پیشین امریکا در افغانستان افشا کرد که نماینده گان امریکا چندین بار در قطر با هیات طالبان و در راس آن ها عباس استانکزی دیدار و گفتگو داشته اند. هدف این گفتگو ها راضی کردن طالبان برای پیوستن به روند صلح بوده است. پیش از این امریکایی ها گفته بودند که آن ها هیچ گفتگویی با طالبان نخواهند داشت و روند صلح از طریق حکومت افغانستان مدیریت می شود. شاید حالا امریکایی ها درک کرده باشند که حکومت آقای غنی چنان از هم پاشیده و گسیخته است که هیچ مخالف مسلحی حاضر نیست با چنین حکومتی در میز مذاکره و گفتگو بنشیند. خواست طالبان نیز همین است. این گروه نیز بارها اعلام کرده که حاضر است با امریکا به عنوان طرف اصلی مسالهٔ افغانستان گفتگو کند. این در حالی ست که آقای غنی این جا تدارک فاز دوم آتش بس با طالبان را می گیرد ولی در آن طرف معلوم نیست که امریکایی ها روی چه مسایلی دارند با طالبان نزدیک می شوند. همان گونه که داکتر نجیب الله نیز نمی دانست که واقعا سیاست مصالحه ملی او در اختیار کیست. خودش و یا روس ها؟ آقای کراکر گفته است که این اقدام امریکا مشروعیت حکومت غنی را نزد مردم باز هم کاهش می بخشد. این حرف به نظر می رسد نتیجه گیری کاملا درستی باشد. هر چند حکومت وحدت ملی از آغاز هم با مشکل مشروعیت مواجه بود و اکثر مردم و سیاسیون افغانستان آن را حکومت مشروع و برآمده از رای مردم نمی دانند. واقعیت نیز چنین است. حکومت وحدت ملی پیش از آن که یک حکومت برآمده از رای مردم باشد، حکومتی توافقی است که با وساطت جان کری وزیر پیشین خارجه امریکا به وجود آمد. امریکایی ها وقتی متوجه شدند که آقای غنی رای لازم در انتخابات را برای احراز کرسی قدرت به دست نیاورده است،اوضاع کشور را به سمت بحران هدایت کردند و بعد با پادرمیانی آقای غنی را در راس یک حکومت توافقی قرار دادند. حالا این حکومتی که با عدم مشروعیت سیاسی رو به روست، می خواهد که از جانب مردم افغانستان گفتگوهای صلح را با مخالفان مسلح، آن هم گروه طالبان، که هر روز دست اش به خون مردم تر است، آغاز کند. بدون شک چنین امر مهمی از چنین حکومتی بر نمی آید. حالا اما امریکایی ها که ظاهرا ازاقدام های آقای غنی خسته به نظر می رسند وارد میدان شده اند که اگر ممکن است خود برای جلوگیری از فروپاشی حکومت آقای غنی کاری انجام دهند. امریکایی ها از مواجه شدن سرنوشت غنی با همتای سابق او داکتر نجیب الله بیمناک اند.

آگاهان سیاسی:
هدف غنی راضی نگهداشتن سیاسیون در آستانه انتخابات است

ناجیه نوری

شماری از آگاهان سیاسی می‌گویند که هدف از دیدارهای غنی با بزرگان سیاسی راضی نگهداشتن سران جهادی و رهبران سیاسی در آستانهٔ انتخابات است.

به باور این آگاهان، اگر غنی بار دیگر اشتباه گذشته را تکرار کند و رقیبان سیاسی را که در انتخابات از او حمایت کردند، دور بزند، بدون شک بحرانی غیر قابل مهار ایجاد خواهد شد.

این واکنش‌ها در حالی ابراز می‌شود که ارگ ریاست جمهوری طی خبرنامه‌یی از دیدار محمد اشرف‌غنی با سران جهادی و رهبران احزاب سیاسی کشور خبر داده است.

ارگ می‌گوید: رییس‌جمهورغنی با بزرگان سیاسی کشور به گونهٔ جداگانه نشست‌های مشورتی داشته است.

در خبرنامهٔ کاخ ریاست جمهوری آمده است که آقای غنی در جریان این دیدارها با جنرال عبدالرشید دوستم معاون اول ریاست جمهوری، حامد کرزی رییس‌جمهور پیشین، استاد عبدرب الرسول سیاف، حضرت صبغت‌الله مجددی، محمدیونس قانونی، عطامحمد نور، استاد محمد محقق، انجنیر محمد خان، انجنیر گلبدین حکمت‌یار، استاد محمدکریم خلیلی، محمدالماس زاهد، میرامان‌الله گذر، حاجی اقبال صافی، حاجی دین‌محمد، عبدالحکیم منیب، استاد محمد اکبری، سید حامد گیلانی، انورالحق احدی، عبدالهادی ارغندیوال، عطاالله لودین و شماری از اعضای شورای انسجام جمعیت اسلامی تحت ریاست سید اکرام‌الدین، به شکل جداگانه دیدار کرده است.

آگاهان سیاسی، هدف از این دیدارها را کشانیدن دانه‌های درشت سیاسی به نفع غنی در انتخابات آینده می‌دانند .

عزیز رفیعی، رییس مجتمع جامعهٔ مدنی می‌گوید: «غنی از این دیدارها چند هدف اساسی را دنبال می‌کند، نخست کشانیدن شخصیت‌های مهم سیاسی به سمت خود در میدان انتخابات، دوم غنی متوجه شده که افغانستان به طرف بحران روان است؛ بنابراین در آستانه انتخابات، مصلحت‌گرایی را به نفع خود دانسته و در حال پرورش دادن آن است.»

رفیعی در گفت‌وگو با روزنامه ماندگار گفت: «غنی در دیدار با دانه‌های درشت سیاسی در مورد موجودیت و عدم موجودیت پارلمان در ساختار حکومت آینده مشوره کرده و از آنان خواسته که آیا انتخابات پارلمانی در کشور برگزار شود یاخیر؟ هم‌چنان آقای غنی از آنان خواسته که آیا مناسب است در وضعیت کنونی انتخابات ریاست جمهوری برگزار شود و یا این‌که حکومت موقت تشکیل شود؟»

او تصریح کرد: «روی همین ملحوظ غنی در صدد راه و چاره است و بهترین راه در وضعیت فعلی به نظر غنی، کشانیدن عناصر کلیدی سیاسی به سمت خود ولو به هرقیمتی که باشد، است.»

او می‌گوید: «اما مسألهٔ اساسی این است که اگر غنی در وضعیت کنونی اشتباه گذشته را تکرار کند، بدون شک کشور به بحران بعدی می‌رود که در آن صورت کنترول و مهار آن غیر ممکن خواهد بود.»

با این حال چمن‌شاه اعتمادی، عضو مجلس نماینده‌گان، هدف از این دیدارها را...

ادامه صفحه ٦